

درهم تنیدگی ورزش و فراغت: از دیدگاه علمی کدامیک بر دیگری تقدم دارد؟

برای پاسخ دادن به پرسش فوق ابتدا باید به یک رشته جدید دانشگاهی یعنی «مطالعات فراغت» اشاره کنیم. مطالعات فراغت (leisure studies) یک رشته دانشگاهی است که دربرگیرنده طیف وسیعی از دیدگاه‌های علوم اجتماعی برای درک فراغت در جامعه مدرن است. محققان در رشته مطالعات فراغت به مسائلی پیرامون سیاست، فلسفه، روانشناسی، تاریخ، اقتصاد و جامعه‌شناسی علاقه‌مند هستند. دوره‌های آموزشی با عنوان «مطالعات فراغت» در دهه ۱۹۸۰ عرضه شدند و برای یک مدت طولانی این دوره‌های آموزشی توسط دانشجویانی گذرانده می‌شدند که به دنبال یادگیری مطالبی پیرامون علوم اجتماعی در فراغت و ورزش بودند. از آن زمان به بعد، مطالعات ورزشی به همراه مطالعات گردشگری از مطالعات فراغت جدا شده و به رشته‌های تخصصی و حوزه‌های کاری متفاوت تبدیل شدند. این موضوع منجر شد که محققان مطالعات فراغت مسائلی را پیرامون ارتباطات و پیوندهای رشته خودشان با سایر حوزه‌ها مطرح کنند. در کنار این امر، وجود بازار کار برای دانشجویان باعث شد که بسیاری از دانشگاه‌ها «مطالعات فراغت» را در دوره‌ها و واحدهای آموزشی مرتبط با «ورزش» یا دوره‌های آموزشی مرتبط با «تفریحات» قرار دهند و یا به تعبیر دیگر، فراغت را در رده‌بندی‌های مرتبط با ورزش بگنجانند. از آنجایی که واحدهای آموزشی «مطالعات فراغت» به دوره‌های کارشناسی تبدیل شده‌اند، برخی از ویژگی‌های چند رشته‌ای بودن آن‌ها که از دهه ۱۹۸۰ برایشان در نظر گرفته شده بود به واسطه پیوند خوردن با سایر رشته‌های دانشگاهی، یا در نظر گرفتن شدن به‌عنوان «علوم اجتماعی انتقادی فراغت» از دست رفته است.

در رشته مطالعات فراغت به شکل مشخص بیان می‌شود که ورزش فقط بخشی از فراغت است. ورزش یک پدیده‌ای است که محصول مدرنیته بوده و با سایر پدیده‌های مدرنیته نظیر موسیقی پاپ، اشتراکات زیادی دارد. باین حال، این ورزش است که دانشجویان را در مورد فراغت به هیجان می‌آورد. اغلب دانشجویان رشته مطالعات فراغت، بعضاً ورزشکار و یا هوادار رشته‌های ورزشی هستند و از طریق ورزش‌هایی که بازی یا تماشا می‌کنند، هویتشان شکل می‌گیرد. بسیاری از ما به‌عنوان افراد دانشگاهی به همین طریق به فراغت می‌پردازیم. یک نگاه اجمالی و سطحی به زمینه نشریات «مطالعات فراغت» نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات پیرامون فراغت در اصل



تحقیقات ورزشی هستند که در آن‌ها ورزش به‌عنوان بستری برای نظریه‌پردازی و بحث در مورد معانی و اهداف فراغت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر می‌تواند نقطه قوت مطالعات فراغت باشد که نشان‌دهنده اهمیت ورزش در صنعت فراغت مدرن است. اما درعین حال نیز می‌تواند یک نقطه‌ضعف برای این رشته محسوب شود، زیرا مباحثات مربوط به فراغت تحت سلطه چارچوب‌ها و مفروضات نظری‌ای هستند که به‌جای اینکه تفکری انتقادی باشند، ریشه در نظام تعلیم و تربیت ورزشی دارند.

ورزش و تفریحات شاخه‌ای از مطالعات فراغت هستند که در آن‌ها مجموعه‌ای از جهت‌گیری‌های نظری و ملاحظات کاربردی به کار گرفته می‌شوند. همانند محققان مطالعات فراغت، محققان حوزه‌های ورزش و تفریحات نیز به این امور علاقه‌مندند که چه چیزی به افراد انگیزه می‌دهد تا در ورزش شرکت کنند؛ چه موانعی گروه‌های خاصی را از مشارکت در ورزش بازمی‌دارد؛ ورزش چه چیزی برای افراد از نظر تعلق و هویت فراهم می‌کند؛ چگونه ورزش اشکال مختلف سرمایه اجتماعی و فرهنگی را می‌سازد؛ و اینکه ورزش چگونه می‌تواند به رفاه اجتماعی کمک کند (فهرست این سؤالات می‌تواند ادامه یابد، اما موارد ذکر شده برای نقطه شروع بحث کافی هستند). به نظر می‌رسد تنها تفاوت سطحی بین محققان مطالعات فراغت و محققان ورزشی در این است که اغلب موارد عبارت «ورزش» جایگزین عبارت «فراغت» می‌شود. اما تفاوت نظری بیشتری هم وجود دارد. برخی محققان حوزه مطالعات فراغت این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا ورزش با تاریخچه و ارتباطات محدودش، می‌تواند چیزی جز یک روش برای تحت کنترل درآوردن افراد باشد؟ مدیریت ورزش و تفریحات فرض را بر این امر می‌گذارد که ورزش دارای برخی ارزش‌های مثبت است؛ و اگرچه محققان و کارشناسان ورزش و تفریحات به شیوه‌ها و ابزارهای توسعه ورزشی انتقاداتی را وارد می‌کنند (برای مثال، تمرکز بر ورزشکاران نخبه و مسیر کاری حرفه‌ای، رقابت، سلطه ورزش‌های مردانه، یا عدم وجود مشارکت پایدار از سوی گروه‌ها و اقلیت‌های قومی) اما این اتفاق نظر وجود دارد که ورزش برای ما فی‌نفسه امری مطلوب است.

بسیاری از محققان مطالعات فراغت بر این مسئله صحنه می‌گذارند که ورزش چیز خوبی است و برخی از آن‌ها به‌عنوان هواداران یا شرکت‌کنندگان ورزشی، پیش‌زمینه‌ها و دانشی پیرامون آن دارند. با این حال، حتی طرفداران متعصب ورزش نیز بر این امر واقف هستند که ورزش محصول زمان و مکانی خاص است و ماهیت و معنای آن به‌طور مداوم محل بحث قرار گرفته و به چالش کشیده می‌شود. نمی‌توان به راحتی ورزش را هم‌رده فراغت یا معادل آن در نظر گرفت. در بهترین حالت ممکن می‌توان گفت که ورزش زیرمجموعه فراغت است - به عبارت دیگر ورزش یک بخش مهم از فراغت است و نه همه آن.

منابع

اسپارکلن، کارل (۱۳۹۹)، جامعه‌شناسی فراغت، ترجمه رسول نوروزی سید حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات حتمی.

Spracklen, K. (2009) *the Meaning and Purpose of Leisure: Habermas and Leisure at the End of Modernity*, Basingstoke, Palgrave Macmillan.

Bramham, P. (2006) 'Hard and Disappearing Work: Making Sense of the Leisure Project', *Leisure Studies*, 25, pp. 379–90.